



چرا و چگونه مجسمه های بامیان ویران گردیدند

آنچه وادی بامیان را در میان ساحات تاریخی منطقه امتیاز خاصی میبخشید و صدها جهانگرد و شیفتگان هنرهای باستانی را به افغانستان جلب مینمود، موجودیت دو پیکره بزرگی بود که در دو گوشه نیایشگاه عظیم بامیکان در طی سده ها با شکوهمندی خاصی ایستاده بودند. فرآورده های هنری عصر کوشانی سیر انکشافی شگوفا شدن مکاتب هنری اصیلی را از شمال بسوی جنوب یعنی از باختر تا بشمال نیم قاره هند نشان میدهد. اگر به آثار هنری ایکه درآی خانم، بلخ، سرخ کوتل بغلان، پدیده های هنری بامیان، معبد فندقستان در پروان، نیایشگاه پایتاه در کاپیسا، فرآورده های هنری بگرام و کابل و از بگرامی و شیوه کی تا لوگر و ننگرهار و از آنجا تا دهانه خیبر (کنده هارا) نظر به قدامت آن نگاهی بیاندازیم این سیر تاریخی زنجیروار برما مبرهن میگردد. به همین ترتیب این ارتباط فرهنگی زنجیری از بامیان بجانب غرب از طریق دره ها و کوهپایه های افغانستان مرکزی به سمت یکولنگ و غور تا سواحل دریای هریرود؛ و بسوی جنوب غرب تاغزنه بست و زمین داور امتداد داشته است. بدیهیست که سبک پیکره سازی یونان بودایی شگوفا شده در افغانستان یکی از مظاهر این سیرتحول در مسیر زمانه هاست و برعکس آن اینکه چگونه افکار بودا و طرز اندیشه آن از شمال نیمقاره هند تا به بلخ و سپس تا ختن رسید و مکتب هنری یونان باختری برآن اثر گذاشت از وقایع شگرف تاریخ است.

در عهد زمامداری کوشانیها مکتب هنری کابل- کنده هارا که از بامیان، کاپیسا و کابل تا پشاور گسترده بود شگوفایی هنری ای را شرح میداد که یکی از مراکز عمده آن در بامیان و دیگری در شهر ماتورا واقع در ایالت اترپردیش هندوستان قرار داشت. از نگاه تاریخی خاک پاکستان امروزی در دوره کوشانیها گذرگاهی بیش نبود که فاتحین و بازرگانان با عبور از آن بسوی هند میرفتند و با فرهنگ غنی آن آشنا میگشتند. بدیهیست که تحمل این مسأله برای حکومت جدید التأسیس پاکستان که سخت در تلاش یافتن هویت تاریخی دیگر حکومت پاکستان همواره تلاش دارد تا روابط تاریخی

دیرینه میان افغانستان و هند را تا حد امکان تخریش نماید. با مستقر شدن گروه های مجاهدین افغان در خاک پاکستان در هنگام نبرد افغانها علیه قوای نظامی روسیه شوروی فرصت مساعدی برای حکومت پاکستان بوجود آمد تا به خوابهای دیرینه خود برسد. در دهه هشتاد معبد بزرگ هده ویران گردید و در دهه نود بعد از به پیروزی رسیدن گروه های مجاهدین در افغانستان، تخریب سیستماتیک آثار گرانبهای تاریخی افغانستان آغاز شد که تکان دهنده ترین آن انهدام مجسمه های بزرگ بامیان توسط گروه طالبان دست پرورده پاکستان بود. گرچه در ظاهر امر وزیر خارجه پاکستان از طالبان درخواست نمود تا از انهدام مجسمه های بامیان منصرف شوند، اما با مراجعه به وقایع گذشته چون انهدام معبد هده و تاراج گنجینه های زرین میرزکه در پکتیا در دهه ۹۰، زمانی که آثار گرانبهای تاریخی افغانستان در بازار های پشاور و اسلام آباد در معرض فروش قرار گرفت، بعید بنظر می آید که پاکستان در انهدام مجسمه های بزرگ بامیان دست نداشته باشد.



تصویر انفجار بودای بزرگ بامیان ۹ مارچ سال ۲۰۰۱، تلویزیون الجزیره

مجسمه های بامیان مانند مجسمه ابولهل و اهرام مصر و مغاره های اجنتای هندوستان از جمله ارزشمندترین آثار تاریخی جهان کهن بشمار میرفت؛ لیکن در انظار بی تفاوت کشورهای مقتدر جهان و سازمان جهانی یونسکو که وظیفه حراست آثار تاریخی جهان را به عهده دارد، به اساس فتوای شورای علمای طالبان انهدام گردید. به اساس گزارش خانم ننسی دوپیری که یکی از چهره های شناخته شده در مورد تاریخ تمدن و فرهنگ افغانستان است، در نخست عده ای از طالبان افغان در برابر این فیصله مقاومت نشان دادند و از همین جهت رسیدن به فیصله نهایی در مورد انهدام پیکره

ها چند هفته را در برگرفت، ولی در اثر فشار طالبان عرب و پاکستانی و تعدادی از طالبان افغانی که به القاعده پیوسته بودند بالاخره تصمیم به ویرانی کامل مجسمه ها گرفته شد و ضرب الاجلی برای ویران نمودن آنها تعیین گردید. در همین آوان مهندسين افغان مقیم لندن و شهرهای دیگر کشور های اروپایی به سفیر طالبان در اسلام آباد پیشنهاد نمودند که حاضرند به مصرف خود سرپای بت ها را توسط دیوارهای سمنتی ببوشانند تا از انهدام آنها انصراف بعمل آید ولی عناصر تندرو شورای طالبان این پیشنهاد را نپذیرفتند. از جانب دیگر تظاهرات پی در پی افغانها در ایالات متحده امریکا به منظور درخواست کمک از دولت و کانگرس آنکشور برای محافظت مجسمه های بامیان نیز بی نتیجه ماند و همان بود که این آثار مهم تاریخی در نهم ماه مارچ سال ۲۰۰۱ توسط احزاب تندرو اسلامی متشکل از طالبان افغان و پاکستانی و اعراب عضو القاعده با ماین گزاری در بدنه مجسمه ها ویران گردید.

مایکل سیمپل کارمند سازمان ملل متحد که در آنوقت در افغانستان مشغول کار بود مینگارد: محافظت پیکره های تاریخی بامیان برای کشورهای مقتدر غربی بسیار مقدور بود، اما علاقمندی زیادی در مورد نشان ندادند زیرا ویران شدن پیکره های تاریخی افغانستان برای آنها اهمیت چندانی نداشت^۱. از جانب دیگر انهدام مجسمه های بامیان کار ساده نبود و طالبان با وسایل دست داشته یعنی با انداخت راکت و هاوان نتوانستند پیکره های عظیمی را که چون صخره کوهی پا برجا ایستاده بودند به آسانی ویران کنند. قرار گزارشات مردم بامیان، از یک انجنیر عرب که تخصص در انفجار داشت استمداد جستند و او با ماین گزاری سرپای مجسمه ها موفق به انفجار آنها گردید. منابع غربی نیز در مورد مرد مصری الاصلی بنام «سیف العدل» که یکی از اعضای ارشد گروه القاعده بود گزارشاتى دارد. وی از سال ۱۹۹۹ ببعده مسئول اردوگاه تعلیمات دهشت افگنی جنوب کابل در مس عینک بود و افراد او میان ساحه تاریخی مس عینک واقع در ولایت لوگر و کراچی در رفت و آمد بودند. اینکه چرا گروه القاعده و طالبان یک ساحه مهم تاریخی دیگر افغانستان چون مس عینک را برای تعلیمگاه

^۱ [Michael Semple](#), Why the Buddhas of Bamian were destroyed? *Afghanistan Analyst Network Independem Non- profit Research Organization*, 2 March 2011

سیف العدل صاحب منصب نظامی مصری بود که خدمت نظام را ترک گفت و به القاعده پیوست. او در عملیات دهشت افگنی بزرگی مانند بمب گزاری سفارت امریکا در کنیا دست داشت.

Vahid Brown , [Sayf al-'Adl and al-Qa'ida's Historical Leadership](#), May ۲۰۱۱

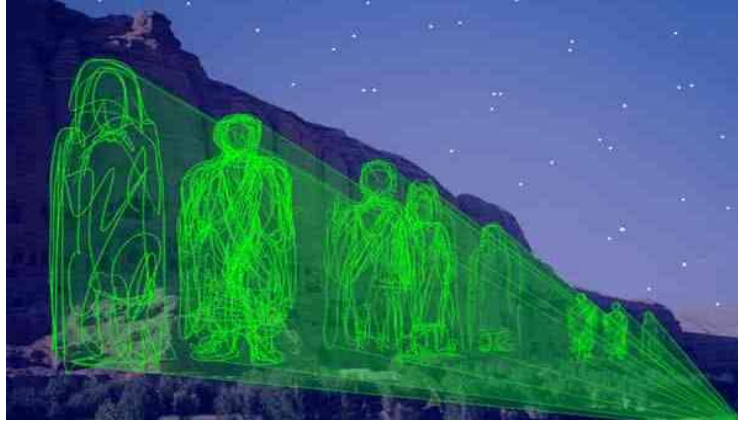
^۱ مصاحبه سید رحمت الله هاشمی، سفیر و سخنگوی طالبان ۱۸ مارچ ۲۰۰۱ نیویارک تایمز

دهشت افگنی انتخاب کرده بودند، خود مسأله ایست قابل تعمق و با آنکه سند مؤثقی مبنی بر دست داشتن مستقیم «سیف العدل» در انفجار مجسمه های بامیان در دست نیست، اما گمان می رود که خود و یا افراد او همراه با نظامیان پاکستانی طالبان را در تخریب ساحات تاریخی افغانستان و به خصوص انهدام مجسمه های بامیان رهنمایی و کمک کرده باشند.^۲ از مصاحبه نمایندگان ملا محمد عمر پس از تخریب پیکره های بامیان برمی آید که وی از این عمل منفعل بوده و برای تبرئه خویش دلایل ضعیفی را ارائه میدارد: " ما خود میباشد گران تمام میشود.

ابراز نظرها و بازسازی مجسمه های بزرگ بامیان:

در مورد اعمار مجدد مجسمه های بزرگ بامیان نظریات ضد و نقیضی وجود دارد. عده زیادی از هنر دوستان و هنرمندان افغانستان طرفدار آند تا این مجسمه ها بشکل قبل از ویرانی سال ۲۰۰۱ یعنی به گونه ای که تصاویر آن باقی مانده بازسازی گردد. یکتعداد دوستداران هنرهای باستانی غیر افغان نیز مشتاقند که این شهکارهای هنری جهان کهن دوباره اعمار گردند که از آن جمله میتوان از سازمان جهانی آرچ Arch International در ایالات متحده امریکا، یونیورسیتی میونخ Technische Universitaet Muenchen واقع در آلمان و بنیاد تحقیقی فرهنگهای محلی جاپان Japan Subculture Research Center یاد کرد.

دلایل زیادی در مورد دوباره سازی مجسمه های بزرگ بامیان وجود دارد ولی مهمترین آن آگاهی دادن به نسل جوان افغان در مورد فرهنگ شکوهمند و غنای تاریخی کشور از یکسو، و جلب سیاحان از سراسر جهان به ساحه تاریخی بامیان از جانب دیگر میباشد که این امر مسلماً به اقتصاد اهالی محل و عواید ملی افغانستان تأثیر نیکی خواهد گذاشت. البته نظریات مخالفی نیز در مورد بازسازی مجسمه های باستانی بامیان موجود است. عده ای از باستانشناسان که مسأله را مطلقاً از نگاه تاریخی ارزیابی مینمایند برخلاف اعمار مجدد این پیکره های باستانی بوده و عقیده دارند که ایجاد دوباره آن اصالتی نخواهد داشت. ازینرو محققین جاپانی و چینایی نمایش تصاویر سه بُعدی بامیان را در داخل رواقهای بامیان توسط شعاع لایزر پیشنهاد کردند که این نمایش تنها در تاریکی شب قابل رویت و امکان پذیر است.



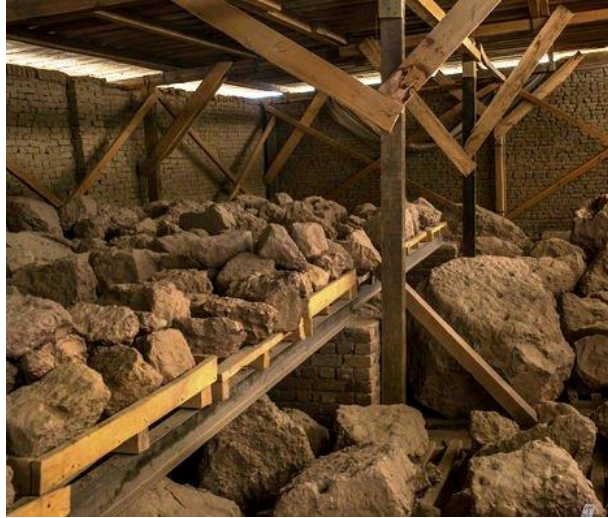
با آنکه اکنون ۲۰ سال از ویرانی پیکره های بزرگ بامیان میگذرد ولی تاحال وزارت اطلاعات و فرهنگ کشور درین مورد تصمیمی اتخاذ نکرده و به کدام فیصله نهایی نرسیده است. تا جائیکه اسناد رسمی نشان میدهد از سال ۲۰۰۳ ببعد ولایت بامیان منحیث یک ساحه تاریخی تحت حمایت یونسکو قرار گرفت تا آثار باستانی آنرا مرمت نموده و تحت مراقبت قرار دهد که این موضوع از یک جانب به مفاد افغانستان است و از جانب دیگر قیوداتی را در مورد اعمار مجدد مجسمه های بامیان ببار آورده است. سازمان جهانی یونسکو به اساس منشور خویش اعمار مجدد آثار تاریخی را با مواد ساختمانی عصر حاضر مجاز نمیداند، ازینرو بدولت افغانستان ابلاغ نموده که اگر اعمار مجدد پیکره های بامیان توسط مواد ساختمانی جدید انجام یابد، در آنصورت یونسکو این حق را دارد تا دست از حمایت مالی برای احیای ساحه تاریخی بامیان بکشد. اما این نظر کاملاً صائب نیست زیرا در جهان مثالهای زیادی وجود دارد که آثار باستانی قسماً توسط مواد جدید اعمار گردیده اند. بطور مثال در ختم جنگ دوم جهانی هنگامیکه عمارات و آبدات تاریخی اروپا مرمت میگردید و

یکتعداد زیاد آن کاملاً ویران گردیده بودند، در اکثر موارد از مواد تعمیراتی معاصر استفاده بعمل آمده است. با آنکه این موضوع برای کشورهای فرانسه، ایتالیا، و آلمان که کمک کنندگان عمده در احیای ساحه تاریخی بامیان میباشند بیش از همه روشن است، پافشاری آنها در تطبیق قوانین یونسکو در رابطه به اعمار مجدد مجسمه های بامیان قابل سوال است، زیرا اگر مسأله تنها بالای استعمال مواد اصلی در مرمت پیکره ها باشد، هنوز اکثر توته پارچه های این آثار گرانبهای تاریخی موجود است که میتوان از آن در ساخت و ساز دوباره آنها استفاده کرد.

اکنون در حدود ۱۴۰۰ پارچه سالم از پیکره های ویران شده بامیان باقی مانده که درگدامهای دولتی محافظه میگردند. پروفیسور Erwin Emmerling ابروین امریلمگ استاد یونیورستی تخنیکی مونشن^۲ عقیده دارد که بجای استفاده از مواد ساختمانی جدید میتوان با جابجا ساختن و بهم چسپاندن پارچه های باقی مانده، بوداهای بامیان را دوباره ایجاد کرد. ازین رو از روی عکاسی های سابقه تصاویر سه بُعدی مجسمه ها را ایجاد نموده و مدل های کامپیوتری آنها را پدید آورده است. بنظر او با نمره گزاری هر بخش مجسمه ها میتوان پارچه های باقی مانده را در جای معین آن گذاشت و توسط سیرش مخصوص مجسمه سازی که ریزن resin یاد میشود بهم پیوند داد. البته بسر رسانیدن این طرح مستلزم دقت، حوصله مندی و مهارت زیادی است. پروفیسور امریلمگ پیشنهاد مینماید که پارچه های مجسمه ها به آلمان انتقال یافته و پس از ترمیم دوباره به بامیان برگردانده شود. تا جائیکه معلوم است دولت روسیه وعده نموده تا انتقال پارچه های بزرگ و کوچک مجسمه ها را به آلمان از طریق موصلات هوایی بعهده بگیرد. البته راه دیگر انتقال پارچه های متلاشی شده پیکره ها به آلمان توسط کشتی از طریق بندرگاه کراچی است اما نظر به دلایل گوناگونی نه دولت پاکستان درینمورد اظهار همکاری نموده و نه اکثر دانشمندان علاقمند به مرمت مجسمه های بامیان انتقال آنها از طریق پاکستان صلاح میدانند.

^۲ Technische Universitaet Muenchen

Lehrstuhl für Restaurierung, Kunsttechnologie und Konservierungswissenschaft



پارچه های باقی مانده مجسمه های عظیم بامیان

برای تطبیق این طرح علمی باید تصاویر سه بُعدی رواقها و بدنه کوهی که مجسمه ها از پیکر آن تراش یافته نیز گرفته شود و اندازه های طول، عرض و عمق رواقها به تناسب ارتفاع، عرض و ضخامت مجسمه ها توسط محاسبات دقیق کمپیوتری پیمایش گردد. این عملیه در مورد مجسمه ۳۵ متری نظر به مجسمه بزرگ بودا بیشتر مقدور است زیرا عمق رواق آن به ۸ متر میرسد و محاسبات کمپیوتری قادر به سنجش آن میباشد، اما پیمایش عمق رواق پیکره بزرگ که به ۱۲ متر بالغ میگردد برای چشم کمره بصورت دقیق امکان پذیر نیست زیرا تعیین اندازه های تصویر سه بُعدی کمپیوتری محدود تر از پیمایش تصاویر مجسمه بزرگ است. البته چشم انسان، بخصوص چشم یک هنرمند میتواند به آسانی این اندازه ها را پیمایش کند، اما دانشمندان غربی آنرا دقیق نمی پندارند و قوانین یونسکو نیز درینمورد تا اندازه سختگیرانه است. ازینرو پروفیسور ایروین امریلنگ پیشنهاد مینماید که مجسمه بزرگ به حالی که است گذاشته شود و کار ترمیم پیکره ۳۵ متری در صورتی که سازمان جهانی یونسکو قبول نماید، آغاز گردد.

در سال ۲۰۱۱ کار ترمیم و محافظت ساحه تاریخی بامیان به شورای جهانی آبدات و ساحات تاریخی (International Council on Monuments and Sites) محول گشت که این بنیاد از سال ۱۹۶۴ به اینسو تحت نظارت مستقیم یونسکو کار مینماید. به اساس فیصله یونسکو در ارتباط به مجسمه های بامیان باید تنها رواقها و مغاره های متصل به آن مرمت و محکم کاری میشدند تا برای سیاحی که از بامیان دیدن مینمایند خطری ایجاد نگردد و از فروپاشی بیشتر آن جلوگیری بعمل آید. همان بود که ۱۴ متخصص مرمت آثار تاریخی به بامیان آمدند و کار مرمت رواق شرقی یعنی مجسمه

کوچکتر را آغاز کردند. بنیاد ICOMOS به اعمار مراحل ابتدایی پاهای پیکره ۳۵ متری نیز شروع کرد. وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان به امید اینکه کار اعمار مجسمه ۳۵ متری آغاز میگردد ازین عمل استقبال نمود و آنرا پیروزی ئی در برابر طالبان خواند، ولی سازمان جهانی یونسکو آنرا تخطی از قوانین یونسکو اعلام نمود و اعمار پیکره ۳۵ متری را متوقف ساخت.

قرار گزارشی برخی از منابع کمک کننده غربی هراس دارند که شاید اعمار مجدد مجسمه های بامیان باعث خشم عناصر تندرو و گروه طالبان گردد، ازینرو صلاح میبینند که مجسمه های بامیان بحالی که است گذاشته شوند تا مثالی بماند برای برای شرح دهشت افگنی و تنگ نظری های گروه های تندرو اسلامی.



مرحله آغاز اعمار مجدد مجسمه ۳۵ متری که کار اکمال آن از طرف یونسکو متوقف شد.

با آنکه سازمان جهانی یونسکو حفاظت ساحات تاریخی بامیان را تحت پوشش قرارداد داده که عمل مثبت و قابل قدریست ، ولی از نگاه اصول باید تصامیم نهایی در مورد اعمار مجسمه های بامیان ویا مرمت آن توسط دولت افغانستان، و باستانشناسان افغان صورت گیرد نه صرفاً توسط منابع کمک کننده خارجی. یکی از مشکلات عمده نه تنها در مورد اعمار مجدد بودا های بامیان، بلکه در مورد مرمت اکثر آبدات تاریخی افغانستان، مانند خانه حضرت مولانا در بلخ و مقبره امیر علی شیر نوایی در هرات اینست که دولت افغانستان بیشتر بالای نظریات منابع کمک دهنده و متخصصین خارجی باورمندی دارد تا اتکا به منابع مادی و معنوی داخلی. در حالیکه در افغانستان صنعتگران، پیشه وران و هنرمندان زیادی موجود است که توانایی و استعداد مرمت و بازسازی آثار تاریخی میهن شانرا دارند اما تاحال توجه جدی ای درینمورد صورت نگرفته است. بطور مثال مجسمه کنیشکا،

کشف شده از معبد سرخ کوتل که در هنگام حمله طالبان بر موزیم کابل شکسته و به اصطلاح پارچه پارچه شده بود، با چنان مهارتی توسط کارکنان موزیم ملی ترمیم گردیده که تفاوت آن از حالت نخستین بسیار اندک است. برای اثبات این قول لطفاً به تصاویر ذیل توجه نمائید.



کارگران افغان در حال جمع آوری پارچه های مجسمه های ویران شده بامیان

از سال ۲۰۰۳ به اینسو در مورد اعمار مجدد پیکره های بامیان یک سلسله پیشنهادات عملی از طرف مهندسين، هنرمندان و بخصوص جناب استاد حيدر زاد مجسمه ساز معروف افغانستان به وزارت اطلاعات و فرهنگ کشور داده شده که تا کنون پاسخی از طرف دولت به این پیشنهادات ارائه نگردیده است.

پایان